

بخشی از زندگینامه‌ی مرتضی سلطانی، بنیانگذار گروه زر

مادر مرتضی پس از فوت همسرش برای اینکه تغییری در زندگی ایجاد کرده باشد با سه بچه یتیم از قاهان روستایی در زیر کوه‌های تفرش کوچ می‌کند و به قم می‌رود و مجبور می‌شود اتاقی را در قلعه مبارک‌آباد قم از دو خواهر سالخورده اجاره کند.

چندی بعد، خواستگاری برای مادر پیدا می‌شود که از همسر اولش که در قید حیات بود هشت فرزند دارد. مادر، برای سر و سامان دادن به زندگی خود و فرزندان یتیمش پاسخ مثبت می‌دهد و با او ازدواج می‌کند.

تولد مرتضی برای پدر بسیار ناراحت‌کننده بود و از همان ابتدا پدر رفتار بدی را با او در پیش می‌گیرد.



مرتضی در گذر آن روزها نه تنها معنای پدر را هرگز درک نکرد، بلکه همواره از بی‌محبتی و سرزنش‌های او رنج می‌برد و دلگرم به آغوش گرم و لبخند مهربان مادر بود. پدر تا سه سالگی مرتضی، از گرفتن شناسنامه برای او امتناع می‌کند و سرانجام مردم محل با پیگیری، او را مجبور به گرفتن شناسنامه برای مرتضی می‌کنند.

مرتضی در حین تحصیل نیز از کار کردن غافل نبود و ابتدا با شستن سنگ مزارها اندک درآمدی به دست می‌آورد و پس از آن با واکس زدن کفش مردم به کسب درآمد پرداخت و کالسکه‌ای درست کرده و با خرید واکس‌های رنگارنگ و جلب مشتری روزگار می‌گذراند.

نقش مادر در زندگینامه مرتضی سلطانی بسیار زیاد است. او می‌گوید آن زمان شرایط زندگی بسیار سخت بود و مادرش نمونه‌ی یک زن روستایی مظلوم و نجیب بود.

مرتضی سلطانی می‌گوید که با همه‌ی سختی‌ها، زندگی‌اش در کنار مادر می‌گذشت و یاد گرفته بود با کار کردن نانی به دست آورد تا سیرش کند و لباسی داشته باشد که فقط سرما را تحمل کند و اتاق کوچکی باشد تا بتواند در آنجا خستگی‌اش را برطرف کند. بعدها مرتضی سلطانی برای

خدمت به مردم محروم بیمارستانی ساخت و به یادبود مادر مرحومش، آن را «املیلا امینی» نامگذاری کرد.

مرتضی سلطانی، آن زمان جوان فقیری با بضاعت اندک و آرزوهای بلند بود که همواره به فرصتی می‌اندیشید تا به جایگاهی بالاتر در جامعه دست یابد.

مرتضی در ابتدای جوانی از طریق یکی از دوستانش با صنعت سوله‌سازی آشنا می‌شود و تلاش می‌کند تا به این فناوری دست یابد، فناوری که پیش از انقلاب توسط پیمانکاران خارجی ساخته شده بود و دانش فنی آن به ایرانیان داده نمی‌شد، اما او باور داشت که سوله‌سازی نمی‌تواند کار سخت و غیرممکنی باشد، پس با همفکری دوستانش وارد عرصه سوله‌سازی شد و کارخانه «زرند ماشین» را برای ساخت سوله و اسکلت‌های فلزی بنیان نهاد.

مرتضی سلطانی در کار سوله‌سازی بسیار خوب پیش می‌رفت و سفارش‌های خوبی گرفته بود. هم‌گروهی‌هایش هم به‌صورت حرفه‌ای کارشان را انجام می‌دادند، اما او همچنان احساس می‌کرد که بازهم جا برای تلاش و پیشرفت دارد و به فکر احداث کارخانه ریخته‌گری افتاد تا جای خالی این صنعت را نیز در کشور پر کند. مرتضی در این زمان کارخانه «صنایع چدن پارس» را بنیان گذاشت.

او سال‌ها در عرصه ریخته‌گری کار کرد و اولین تولیدکننده میل لنگ خودرو در ایران بود. پس از آن، تمام فکر و ذهن مرتضی سلطانی به سوی صنعت غذا معطوف شد و احساس کرد هنوز به ایده‌آلی که دوست دارد نرسیده است. پس شروع به تحقیق کرد و مدتی بعد متوجه شد صنایع غذایی کشور جای کار بسیاری دارد و می‌تواند در این عرصه فعالیت‌های خوبی را پی بگیرد. بنابراین، با خرید زمین در منطقه ساوجبلاغ استان البرز، مجوزهای لازم را برای ساخت کارخانه آرد دریافت کرد. سلطانی همواره در پی یک ویژگی برتر انحصاری بود که هنوز در کشور کسی برای تولید آن گام برنداشته بود، پس تحقیقات خود را در مورد گندم دوروم (نوعی گندم که از آن آرد سمولینا به‌دست می‌آید و در صنعت ماکارونی کاربرد دارد) ادامه داد تا بالاخره نخستین تولیدکننده آرد سمولینا در کشور شد.

سلطانی در سال ۱۳۸۰ خطوط تولید آرد سمولینا را برای اولین بار در ایران راه‌اندازی و در ادامه، شروع به ساخت کارخانجات زرماکارون کرد.

گروه زر اکنون بزرگترین صادرکننده ایرانی انواع پاستا است و در سکوی نخست صنعت ماکارونی و پاستای ایران قرار دارد. این گروه موفق شده است که با ایجاد فضای رقابتی در صنعت، به عنوان اولین تولیدکننده انواع ماکارونی و پاستا با آرد سمولینا در ایران، نقش مهمی در ارتقای کیفیت تولیدات داخلی ایفا کند، به‌طوری‌که در حال حاضر محصولات ماکارونی ایران قادرند هم‌تراز با

برندهای معتبر جهانی در رقابت‌های بین‌المللی، موفق و سربلند وارد شوند. شرکت زرماکارون بعد از شرکت باریلای ایتالیا، دومین شرکت تولیدکننده پاستا در جهان شده است.

مرتضی سلطانی با تاسیس دانشگاه در سال ۱۳۸۸ سعی بر آموزش نیروهای مورد نیاز و بهبود دانش و مهارت‌های نیروهای در حال خدمت در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد داشت. در همین راستا، رشته‌های خاصی مانند قند مایع و تحقیقات بازار در صنعت غذا برای اولین بار در ایران در این دانشگاه تعریف و تدریس می‌شد.

مرتضی این کار را هم به نتیجه رسانده بود، ولی همچنان احساس می‌کرد باید زر را به حال خود بگذارد و پی‌فعالیت جدیدی برود.

اطرافیان مرتضی، او را خوب می‌شناختند و متوجه شده بودند که در پی ایجاد ابتکار جدیدی است. مرتضی کسی نبود که به این مجموعه راضی باشد، کسی هم نمی‌توانست ذهن مرتضی را بخواند. او سخت مشغول تحقیق و بررسی و به دنبال فرصت و فعالیت جدیدی بود که برای مردم و مملکت سودمند باشد.

مرتضی در تحقیقاتش به موضوع جالب اما قابل تأملی برخورد کرد و آن، استفاده بی‌رویه مردم ایران از قند و شکر بود. بنابراین تصمیم گرفت کارخانه‌ای بسازد که در آن بتوان از ذرت، فروکتوز استخراج کرد تا جایگزین بسیار مناسبی برای قند و شکر محسوب شود.

برای این پروژه‌ی جدید، زمینی در هشتگرد خرید و فعالیت‌هایش را برای تبدیل آن زمین به یک مرکز صنعتی آغاز کرد، یک ابرپروژه نیز برای آن تعریف کرد که در آن، برای نخستین بار در ایران، ذرت وارد پروسه شده و در یک سایت تبدیل به فروکتوز (قند مایع) می‌گردد.

او اولین پالایشگاه غیر نفتی ایران را تاسیس کرد. البته برای اجرای این کار ابتدا درباره موضوع حمل و نقل مطالعه کرد و بر اساس آن، یک ریل سراسری با انشعاب ایجاد نمود که مستقیم به درون سایت می‌آمد و به عنوان «بندر خشک» نامگذاری شد.

در ادامه، در جریان سفر رئیس‌جمهور وقت، دکتر روحانی در ۱۲ بهمن ۱۳۹۵ به استان البرز، همراه با مهندس محمدرضا نعمت‌زاده، وزیر وقت صنعت، معدن و تجارت، ۳ پروژه بزرگ صنعتی شامل اولین پالایشگاه غیر نفتی، افتتاح خط تولید فروکتوز، گلوکز و گلوتن ذرت و فاز توسعه ذخیره‌سازی و نگهداری غلات در سیلو، در نخستین بندر خشک غلات ایران در شهرستان ساوجبلاغ به بهره‌برداری رسید. رئیس‌جمهوری همزمان، کلنگ احداث یک پروژه جدید در مجموعه سایت گروه صنعتی زر را به نام زرکام -بزرگترین کانفکشنری خاورمیانه- به زمین زد. در حال حاضر این پروژه که یکی از بزرگترین پروژه‌های بخش خصوصی است، توسط مهندسان جوان

کشور طراحی شده و به دست کارگران ایرانی در حال اجراست. همچنین، برای تبدیل ایران به قطب شیرینی و شکلات منطقه خاورمیانه، کارخانه‌ای مدرن با استفاده از جدیدترین تجهیزات روز دنیا با مساحتی حدود ۳۰۰ هزار متر مربع در حال ساخت است که نه تنها کام مردم را شیرین می‌کند، بلکه به غرور و افتخار ملی ما جانی دوباره می‌بخشد.

با دانش ریاضی می‌توان ساخت، ولی نگهداری از آن نیازمند آگاهی از تاریخ است.

مرتضی سلطانی شناخت ادبیات تولید و رقابت بدون مرز را شرط رقابت جهانی می‌داند و دو عامل «کیفیت خوب» و «نگاه مشتری‌مدار» را شروط قرار گرفتن محصولات در کنار تولیدات جهانی بیان می‌کند.

مرتضی سلطانی الگوی مدیریتی خود را نگاه انسان‌محورانه می‌داند و معتقد است اگر مجموعه‌ای در دنیا برند شده است، قطعاً نگاهی انسان‌محورانه داشته است.

از دیگر ویژگی‌های مرتضی سلطانی، نگاه فرا-مرزی اوست، تا حدی که مزرعه و بازارهای جهانی، او را راضی نمی‌کند و در برنامه‌هایش نگاه به بازارهای اشباع و فوق‌اشباع دارد. او همچنین می‌خواهد به بازار اشباع‌شده ترکیه ورود کند. هم‌اکنون نیز محصولات زر به نمایندگی ایران در کشور ترکیه در کنار برندهای معتبر جهانی از جمله باریلا در سبد انتخابی مشتریان قرار دارند. سلطانی درصدد کسب موفقیت‌های بیشتر در این موقعیت است.

مرتضی سلطانی به کار گروهی در صنعت عشق می‌ورزد و تولید را تجلی کار گروهی می‌داند و می‌گوید یک صنعت‌گر در گام نخست باید یک مدیر با تدبیر باشد که بتواند فضای کاری را بشناسد و نیازهای جامعه را درک کند. همچنین، توانایی راهبری و هدایت داشته باشد و از همه مهم‌تر بتواند ویژگی و شرایط کار گروهی را درک کند و به آن پایبند باشد. او معتقد است کار، در صنعت حرفه‌ای به هیچ وجه انفرادی و فردمحور نیست.

مرتضی سلطانی باور دارد کارآفرینی، امید و باور می‌خواهد. کارآفرینی که امید ندارد باید خودش را خط بزند. کارآفرین، مرز نمی‌شناسد و هیچگاه نمی‌داند ناامیدی یعنی چه؟! یک کارآفرین تنها اهداف بلند را می‌بیند و زمان خود را صرف حاشیه‌های آن نمی‌کند.

سلطانی مدیریت زمان را گران‌تر از منابع می‌داند و می‌گوید زمان تنها سرمایه‌ای است که با صرف منابع جبران نمی‌شود.